

ادوارد سعید ،
آریل دورفمن ، لئونارد فرانک ،
ایزابیل هیلتون ، تیموتی گارتون اش ، دان مک کالین

چالش های حقوق بشر

در باب تبعید و مهاجرت روشنفکران
بازی توسعه در افغانستان
یادداشت هایی از شیلی
زیر چشم های شرقی
زندگی در عکس
ژنرال

ترجمه
فروغ پوریانوری



فهرست

۷	تأملاتی در باب تبعید و مهاجرت روشنفکران / نوشته ادوارد سعید
۲۹	یادداشت‌هایی از شیلی / نوشته آریل دورفمن
۴۷	ژنرال / نوشته ایزابل هیلتون
۱۴۷	زیر چشم‌های شرقی / نوشته تیموتی گارتون‌آش
۱۷۳	بازی توسعه / نوشته لئونارد فرانک
۱۹۵	زندگی در عکس / نوشته دان مک کالین

تأملاتی در باب تبعید و مهاجرت روشنفکران

نوشتهٔ ادوارد سعید*

اندیشیدن در باب تبعید عجیب جذاب، اما تجربه‌اش وحشتناک است. [تبعید] شکافی اجباری و التیام‌ناپذیر میان انسان و زادگاهش، میان خود و خانهٔ حقیقیش است: هرگز نمی‌توان بر اندوه ذاتی‌اش چیره شد. با این‌که راست است که ادبیات و تاریخ حاوی بخش‌های قهرمانانه، رومانیک، باشکوه و حتی پیروزمندانهٔ زندگی در تبعیداند، اما این‌همه، چیزی فراتر از تلاش برای چیره شدن بر اندوه کمرشکن ناشی از بیگانگی نیست. دستاوردهای تبعید را فقدان آنچه که برای همیشه پشت سر باقی مانده، مدام تضعیف می‌کند.

اما اگر تبعید حقیقی وضعیت فقدان نهایی است پس چرا به این راحتی تغییر شکل داده و به یک مضمون توانمند، حتی بارورکنندهٔ فرهنگ مدرن تبدیل شده است؟ ما عادت کرده‌ایم به دورهٔ مدرن به مثابهٔ دوره‌ای به لحاظ معنوی یتیم و بیگانه، به مثابهٔ عصر اضطراب و بیگانگی بیندیشیم. نیچه معذب بودن از سنت‌ها را به ما آموخت و فروید یادمان

* Edward Said

داد که صمیمیت خانوادگی را چون ظاهر مؤدبانه‌ای کشیده بر خشم پدرگشانه و زنا‌ی با محارم تلقی کنیم. فرهنگ مدرن غرب تا حد زیادی اثر تبعیدی‌ها، پناهندگان سیاسی و آوارگان است. در ایالات متحد تفکر علمی، روشنفکری و زیبایی‌شناختی به واسطهٔ پناهندگان فاشیسم، کمونیسم و رژیم‌های دیگر معتاد به ظلم و اخراج مخالفان حکومت آن چیزی است که امروز هست. جورج اشتاینر منتقد حتی این نظریه هوشمندانه را مطرح کرده است که ادبیات قرن بیستم نوعاً به تمامی «برون‌مرزی» است، ادبیات تبعید و دربارهٔ تبعیدی‌ها است، و مظهر عصر پناهندگی است. اشتاینر می‌گوید:

به نظر معقول می‌آید که کسانی که در تمدن نیمه وحشی‌ای که بسیاری از انسان‌ها را بی‌خانمان کرده است، دست به آفرینش هنری می‌زنند، شاعران بی‌خانمان و آوارگان عرصه زبان باشند. آدم‌هایی عجیب و غریب، گوشه‌گیر، دچار غم غربت، و زودرس

...

در زمان‌های دیگر که تبعیدی‌ها بینش‌های میان فرهنگی و فراملی مشابهی داشتند، دچار همین سرخوردگی‌ها و بدبختی‌ها بودند، همین کارهای روشنگرانه و مهم را انجام می‌دادند - که برای مثال در تبعیدی‌های روماتیک^۱ تحقیق کلاسیک ای. ای. اچ. کار^۲ دربارهٔ روشنفکران قرن نوزدهم روسیه که دور هرتسزن^۳ حلقه زده بودند به نحو استادانه‌ای به اثبات رسیده است. اما تفاوت میان تبعیدی‌های سابق و تبعیدیان زمانهٔ ما که روان‌فشارانه است، مقیاس آن است. زمانهٔ ما - با جنگ‌افزارهای مدرن و

1. *The Romantic Exiles* 2. E. H. Carr

۳. erzen (۱۸۱۲ - ۱۸۷۰)، نویسنده و مبارز سیاسی روس. او در ۱۸۷۴ روسیه را ترک کرد و بقیهٔ عمر بیشتر در پاریس و لندن زندگی کرد. آثار او عبارتند از: *رمان‌گناه را به گردن کی باید انداخت*، یک مجموعه داستان کوتاه و نیز خاطراتش زیر عنوان گذشته و افکار من.